

پسر میترا استاد تقاضای قصاص کرد/نجفی: قتل عمد را قبول ندارم

دومین جلسه رسیدگی به پرونده اتهامی محمد علی نجفی به صورت علنی در حال برگزاری است.

به گزارش گروه اجتماعی ایسکانیوز، دومین جلسه رسیدگی به پرونده محمدعلی نجفی به صورت علنی در حال برگزاری است.

نخستین جلسه محاکمه محمدعلی نجفی شهردار اسبق تهران به اتهام قتل میترا استاد همسر دومش شنبه ۲۲ تیر ماه به صورت علنی در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی کشکولی برگزار شد.

در ۷ خرداد امسال، همسر دوم نجفی، میترا استاد، به ضرب گلوله کشته شد. نجفی ساعاتی پس از حادثه با مراجعه به پلیس آگاهی تهران، به قتل همسرش اعتراف کرد.

بنابراین گزارش در این جلسه هم پدر و مادر مقتول حضور ندارند اما برادر و فرزند میترا استاد و همچنین تعدادی از اقوام نجفی حضور دارند.

در ابتدای جلسه دادگاه قاضی کشکولی با اشاره به اینکه این دادگاه با مجوز ریاست قوه قضاییه به صورت علنی برگزار می شود و انتشار مطالب آن بر اساس ماده ۳۵۲ آیین کیفری با محدودیت های پیش بینی شده آزاد است، گفت: مطالبی در فضای مجازی از دادگاه اول منتشر شد که به روایت خبرنگاران حاضر در جلسه بود بنابراین مواردی را متذکر می شوم. بر اساس ماده ۳۵۴ آیین دادرسی افرادی که در نظم دادگاه اختلال ایجاد کنند، قاضی می تواند آنها را اخراج کند و یک تا ۷ روز حبس محکوم کند.

در ادامه پس از رسمیت دادگاه، رئیس دادگاه از وکلای اولیای دم درخواست کرد در صورتی که مطلبی دارند بیان کنند که حاجی لویی یکی از وکلای میترا استاد گفت: آقای رئیس در جلسه قبل مواردی در پرونده بیان شد که باعث حواشی شد؛ متأسفانه بعد از جلسات دادگاه عنوان مهدورالدم بودن مقتول تیر همه روزنامه ها شد و آبروی خانواده و اولیای دم خدشه دار شد.

آقای نجفی نوک مداد نشکسته اید، زن مسلمان را کشته اید

وی افزود: متهم ناجوانمردانه مواردی را در دفاعیات خود اعلام کرد که باعث خدشه دار شدن آبروی این خانواده شد این دفاعیات متعارف و متناقض لاجرم در کیفرخواست خوانده شد. متهم در دفاعیات خود گفته بود مقتول وارد زندگی من شد من اشتباه کردم که با ایشان ازدواج کردم اما از اینکه چگونه نظامات را زیر پا گذاشت به قید فوریت در دفتری در مهرشهر کرج ثبت شود را در دفاعیات خود نیاورد. طلاق حق مرد است، می گوید ایشان (میترا استاد) طلاق نگرفت همه می دانیم حق طلاق با مرد است حق و حقوقش را می پرداختید و می توانستید وی را طلاق بدهید، ایشان می گوید کستم اشتباه کردم.

وکیل خانواده مقتول ادامه داد: آقای نجفی! نوک مداد را که نشکاندید، جان یک زن مسلمان را گرفتید؛ اینجا صحنه سیاست نیست که هر

اشتباهی کنید و استعفا کنید و کنار بکشید. محکمه عدالت است مرتکب قتل شدید. در دفاعیات عنوان کردید میترا استاد پرستو بوده و با نهادهای امنیتی همکاری می‌کرد.

در میانه سخنان وکیل استاد قاضی کشکولی سخنان وی را قطع کرد و گفت: بر اساس آیین نامه دادرسی نظم دادگاه را رعایت کنید و مطالبی که بر خلاف حقوق شهروندی است را بیان نکنید و با نزاکت و ادب دفاعیات خود را مطرح کنید. استفاده از کلمه ناجوانمردانه در شان دادگاه نیست.

اگر میترا استاد پرستو بوده چرا با خبرنگاران تماس گرفته؟

در ادامه بررسی جلسه دادگاه، حاجی‌لویی با بیان اینکه پیشتر گفته شده بود خانم میترا استاد پرستو است، گفت: آقای نجفی گفته بود ایشان پرستو بوده و می‌خواسته اطلاعات شخصی مرا به خبرنگار بدهد. از طرفی اولیای دم می‌گویند، شما ۴۰ سال است در پست‌های سیاسی بوده‌اید از ما بهتر می‌دانید نهاد اطلاعاتی، اطلاعات را طبقه‌بندی می‌کند و کار خبرنگار انتشار اخبار است. البته ما می‌دانستیم خانم استاد چه چیزی می‌خواسته به آن خبرنگار بگوید و مطالبی را که آقای نجفی می‌گوید، از سوی وکیل معزول‌شان به ایشان یاد داده شده است.

وی افزود: آقای نجفی گفته بود، چون مهدورالدم است، او را کشتم اما بعد حرف خود را پس گرفت و گفت قصد من کشتن ایشان نبود. وکیلشان به آقای نجفی بگویند که این دو موضوع قابل جمع نیست.

قاضی کشکولی در واکنش به سخنان این وکیل گفت: صحبت‌هایتان خطاب به دادگاه باشد.

در ادامه حاجی‌لویی با بیان اینکه این موارد گفته شده از سوی نجفی، در لوایح وکیل معزول‌شان نوشته شده بودف خطاب به متهم اظهار داشت: در محضر دادگاه اعتراف کنید مرتکب قتل عمدی شدید و تقاضای بخشش کنید.

قاضی بار دیگر خطاب به وکیل اولیای دم گفت: در چارچوب کیفرخواست، دلایل اتهامی را بگویید.

وکیل اولیای دم میترا استاد ادامه داد: به علت شرایط نامناسب اوضاع روحی، والدین میترا استاد در دادگاه حضور ندارند البته ایشان گله‌مند هستند چرا در این مدت، نجفی به پسر میترا استاد سر نزده است. این پسر مادر خود را عریان و در آن حالت دیده، حالا چطور می‌تواند زندگی کند؟ او مادری که با سلاح جنگی کشته شده است را دیده است.

وی افزود: خانواده مقتول حق و حقوق خود را مطالبه کرده‌اند اما آقای نجفی ماشین خود را فروخته بود و از طریق خانواده، پول از حساب ایشان برداشته شده تا پولی به خانواده مقتول نرسد.

حاجی‌لویی تصریح کرد: آقای نجفی بگوید این موارد اتهامی اصالتاً و یا وکالتاً مطرح شده تا در این صورت حق شکایت و افترا برای اولیای دم محفوظ باشد.

در ادامه قاضی محمدی کشکولی در رابطه با عدم حضور اولیای دم در دادگاه گفت: در رابطه با یکی از وکلای آقای نجفی باید بگویم آقای عزیز به درخواست نجفی، عزل شده و در دادگاه حضور ندارد. اولیای دم هم آقای مهیار صفری و ولی ایشان، جهان‌شاه صفری در دادگاه

حضور دارند.

وی خطاب به اصحاب رسانه گفت: به درخواست آقای مهیار صفری فرزند مقتول، عکسی از ایشان با توجه به شرایط سنی منتشر نشود.

در ادامه ولی مهیار صفری به اذن قاضی در جایگاه حضور یافت و به معرفی خود پرداخت.

وی گفت: بنده جهان‌شاه صفری، ولی مهیار صفری، فرزند خانم میترا استاد هستم.

صفری افزود: فرزند من متولد ۱۱ شهریور ۸۲ است و ۱۵ سال سن دارد.

قاضی کشکولی خطاب به ولی فرزند مقتول گفت: به موقع از شما تحقیق خواهم کرد.

سپس مهیار صفری فرزند میترا استاد به اذن قاضی در جایگاه حضور یافت و به سؤالات محمدی کشکولی پاسخ داد.

وی خطاب به این فرد خواست تا خود را معرفی کند.

فرزند میترا استاد با حضور در جایگاه گفت: من مهیار صفری، متولد ۱۱/۶/۸۲، فرزند جهان‌شاه صفری و با تحصیلات سیکل هستم.

وی در پاسخ به سؤال قاضی مبنی بر اینکه در رابطه با قتل مادران شکایتی دارید؟ اظهار داشت: بله تقاضای قصاص خون مادرم را دارم.

قاضی از وی خواست که مشاهدات خود را از روز حادثه و صحنه قتل بگوید.

فرزند میترا استاد در بیان جزئیات روز حادثه گفت: ساعت ۹ صبح از خانه خارج شدم و ساعت ۱۲ به خانه رفتم و دیدم دو فرد غریبه آنجا هستند. اول فکر کردم واحد را اشتباه آمدم، اما بعد دیدم درست است. در نهایت به کمک آقازاده، وارد حمام شدم و مادرم را در داخل حمام دیدم.

وی در واکنش به سؤال قاضی مبنی بر اینکه آیا می‌توانید مشاهدات خود را از صحنه قتل بگویید؟ سکوت کرد و با توجه به شرایطش نتوانست پاسخ دهد.

نجفی بارها مادرم را با اسلحه تهدید کرده بود

فرزند مقتول در پاسخ به این سؤال قاضی محمدی کشکولی مبنی بر اینکه آیا آقای نجفی با مادران اختلاف داشت؟ گفت: بله کمابیش اختلاف داشتند و بارها آقای نجفی با اسلحه مادرم را تهدید کرده بود و گفته بود با همین اسلحه، تو را می‌کشم.

قاضی خطاب به این فرد گفت: نجفی کی مادر شما را تهدید کرده بود؟

فرزند مقتول گفت: دو روز قبل از حادثه تهدید کرده بود.

وی در پاسخ به سؤال قاضی مبنی بر اینکه آیا شما اسلحه را دیدید؟ گفت: من اسلحه را ندیدم.

قاضی خطاب به این فرد گفت: پس چطور فهمیدید اسلحه وجود دارد؟

مهیار صفری در پاسخ گفت: نجفی گفته بود اسلحه را خانه همسر اولش نگه داشته است.

قاضی گفت: مستند شما چیست؟

صفری پاسخ داد که صحبت‌های خود آقای نجفی.

فرزند مقتول در واکنش به این سؤال قاضی مبنی بر اینکه چه ضرورتی داشت آقای نجفی این را بگوید؟ به سکوت اکتفا کرد.

صفری در پاسخ به این سؤال قاضی مبنی بر اینکه آیا آن روز امتحان داشتی؟ گفت: بله ساعت ۸:۳۰ بیدار شدم و ۹:۰۵ از خانه خارج شدم. آقای نجفی من را بیدار کرد و با تندی و عصبانی به من گفت بلندشو و برو مدرسه‌ات دیر شده است.

وی در پاسخ به این سؤال قاضی مبنی بر اینکه شب قبل از حادثه، اختلافی بین نجفی و مادرتان بود؟ گفت: ساعت ۹:۳۰ بحث شروع شد و تا ۲:۳۰ ادامه داشت.

قاضی خطاب به این فرد گفت: آیا کسی هم در منزلتان بود؟

فرزند مقتول پاسخ داد: بله دایی‌ام به دعوت مادرم برای دورهمی تا ساعت ۱۲ در خانه ما بود.

قاضی از صفری پرسید که آقای نجفی گفته مادرتان چندین بار شما را بیرون کرده است، آیا این درست است؟

وی پاسخ داد: بیرون نکرده، من با مادرم دعوا نکردم و با هم خوب بودیم.

در ادامه جلسه قاضی کَشکولی از پسر مرحوم میترا استاد پرسید چه زمانی مادرت و آقای نجفی با هم درگیر بودند که پسر استاد جواب داد، این موضوع به ماه‌ها پیش بازمی‌گردد که قاضی از او خواست زمان دقیق تری را اعلام کند که پسر مرحومه اعلام کرد: سه ماه پیش.

پسر مقتول تقاضای قصاص دارد

سپس ولی قهری مهیار صفری پسر میترا استاد به جایگاه فراخوانده شد و خطاب به دادگاه گفت: من تنها مطالبی را عنوان می‌کنم که از خود مهیار شنیده‌ام، درخواست مهیار ایجاد عدالت است و تقاضای قصاص دارد.

قاضی از وی پرسید خود وی مطلبی برای طرح در دادگاه نداد؟ که وی پاسخ داد من تنها تقاضای قصاص را با توجه به درخواست پسرم مطرح می‌کنم و سخن دیگری ندارم.

در ادامه جلسه قاضی از محمدعلی نجفی درخواست کرد به جایگاه بیاید و خطاب به وی گفت: مراقب اظهارات تان باشید و هر جا آمادگی دفاع نداشتید، اعلام کنید.

قاضی کشکولی در ادامه گزارشی از وضعیت پرونده داد و گفت: جسد مرحومه میترا استاد در محل سکونت شما (محمدعلی نجفی) کشف شده، بر اساس آثار جرم، سخنان زهرا نجفی، علیرضا ببری، مهیار صفری و راننده شخصی شما و مشاهدات صحنه جرم، کشف پوکه و گلوله دفرمه شده در محل سکونت، کشف سلاح اتوماتیک و اعلام نظریه پزشکی قانونی در خصوص فوت میترا استاد ناشی از شوک خونریزی قلب، کبد، ریه در تاریخ هفتم خرداد امسال و اعترافات شما در مراجع انتظامی و پلیس در خصوص استفاده از سلاح و بازسازی صحنه جرم، بازبینی فیلم‌های ورود و خروج، کارشناسان سلاح، کشف دو برگه نامه در داخل منزل و سه برگه دست‌نوشته، نظر پزشکی قانونی، پزشکان روانشناس، قرار جلب دادرسی و صدور کیفرخواست اتهامات شما بر اساس کیفرخواست به شرح زیر اعلام می‌شود: مباشرت در قتل عمدی مرحومه میترا استاد با شلیک گلوله، نگهداری سلاح و مهمات پس از انقضای قانونی سلاح، ایراد جراحت که منتهی به فوت نشده و برخورد گلوله به کف دست چپ مرحومه است.

نجفی: جفی: قتل عمد را قبول ندارم

پس از تفهیم اتهام از سوی قاضی کشکولی محمدعلی نجفی گفت: من آنچه اتفاق افتاده را قبول دارم اما قتل عمد را قبول ندارم.

وی در ابتدای سخنان خود از حادثه دردناک و جانسوزی که اتفاق افتاد ابراز تأثر کرد و گفت: به خانواده محترم استاد تسلیت می‌گویم و مطالبی که باعث روشن شدن واقعیت شود مطرح می‌کنم و امیدوارم حکمی منصفانه و عادلانه صادر شود. آنچه امروز عرض می‌کنم جهت روشن شدن حقایق در این حادثه است، خودم را مقصر می‌دانم و قصد برائت از آنچه اتفاق افتاده ندارم به خدا پناه می‌برم و می‌خواهم به خاطر این تقصیر و گناه رحمت خود را شامل من قرار دهد.

در ادامه نجفی با بیان اینکه بخش‌هایی از کیفرخواست که توسط نماینده دادستان خوانده شد غیردقیق بود گفت: همچنین سخنان وکیل خانواده که با تذکر قاضی پرونده همراه بود و اینکه وکیل خانواده مرحومه حق توهین و یا طعنه در خصوص دوران وزارت من در آموزش و پرورش را ندارند، همچنین مطالبی توسط جناب آقای مهیار مطرح شد که دقیق نبود البته با توجه به شرایط روحی و خانوادگی آن را درک می‌کنم.

نجفی تأکید کرد: هیچ‌گاه مرحومه را به قتل تهدید نکردم، اما لازم است در خصوص این ماجرا تأکید کنم موضوعی که در کیفرخواست به آن اشاره شد در ابتدای نامه تأکید کرده بودم که نمی‌خواهم این نامه عمومی شود و از بستگان نیز تعداد معدودی می‌خواهم از مطالب نامه مطلع شوند. نماینده محترم دادستان که تجربه فراوانی در این موضوع دارند بخش‌هایی از نامه را قرائت کردند اما اگر قرار بود برای اثبات قتل عمد این موضوع مطرح شود باید موارد در جلسه غیرعلنی مطرح می‌شد، زیرا در این نامه برخی موارد دقیق نیست و راضی نبودم موارد مطرح شده در آن علنی شود.

نجفی در ادامه به تاریخچه رابطه خود و میترا استاد پرداخت و گفت: ما در ۸ اردیبهشت سال ۹۷ عقد دائم کردیم و هفت ماه قبل از آن

عقد موقت و محرم هم بودیم. در زمان عقد موقت به دلیل مشغله کاری فرصت مطرح کردن بعضی از مسائل مهم از جانب دو طرف وجود نداشت و مسائل به صورت اجمالی مطرح شد و زمانی که عقد دائم اتفاق افتاد به این دلیل راضی نبودم که با عجله این کار را انجام دهیم که به نظر می آمد از لحاظ مبنای اعتقادی و فرهنگی فاصله زیادی داریم و نیاز به شناخت بیشتر است همچنین عمل جراحی سختی را پیش رو داشتیم که دکتر معالج اعلام کرده بود یک ماه نباید هیچ گونه فعالیتی داشته باشم اما ایشان به دلایلی تعویق در عقد دائم را نپذیرفتند و متأسفانه پس از ازدواج دائم اختلافات سر باز کرد و نتوانستیم در بحث و گفتگوها به نقطه مشترکی برسیم و سوتفاهم ها و سوبرداشت ها نیز دامن زده شد و مسائل ما را حادثر کرد و از حدود ۶ ماه قبل به این نتیجه رسیدم که زندگی مشترک ما با این عمق از اختلافات و انتظار وی به نتیجه نمی رسد و پیشنهاد طلاق توافقی را مطرح کردم و درخواست کردم طی دو سه ماه مهریه ایشان که رقم بالایی بود را بپردازم.

همسرم را دوست داشتم

متهم در ادامه دفاعیات خود در دادگاه گفت: واقعاً من ایشان را دوست داشتم اما می ترسیدم با این همه اختلاف، اگر پیش برویم، این محبت به نفرت تبدیل شود حتی از ریش سفیدان فامیل هم خواستم بابت موضوع طلاق ما پیشقدم شوند. من نمی خواستم ایشان را یکطرفه طلاق بدهم.

وی افزود: در روز عقد تعهد کرده بودیم و ایشان خواستند که اختیار طلاق را داشته باشند اما من این کار را نکردم در عوض آن دو تعهد دادم مبنی بر اینکه اگر ایشان واقعاً به این نتیجه رسیدند که طلاق بگیرند، من همراهی کنم و اگر من به این نتیجه رسیدم که واقعاً طلاق بهتر است، توافقی این کار را انجام دهیم.

نجفی ادامه داد: ایشان یک ماه پیش از حادثه به من گفتند حق نداری در مورد طلاق با کسی و به ویژه خانواده ام صحبت کنی. تصمیم گرفته بودم برادر ایشان را دعوت کرده و با او در مورد طلاق صحبت کنم اما در نهایت این موضوع اجمالی و بدون تصمیم گیری باقی ماند. یک هفته قبل از حادثه، از منزل قبلی که من رهن کرده بودم، تصمیم گرفتیم به منزل بزرگتری برویم. برادر ایشان هم در موضوع اسباب کشی در منزل جدید بودند و رابطه سرد ما را دیدند.

وی به جزئیات شب قبل حادثه اشاره کرد و گفت: شب قبل از حادثه، برادرشان را دعوت کرده بودیم. ایشان آنجا هم فهمید که رابطه ما سرد است. بعد از آن و بعد از شام آن شب، همسرم شروع کرد به جر و بحث و ناسزاگویی. من چنین نمی خواستم وارد این مباحث شوم و با توجه به اینکه در سه، چهار مورد به برخورد فیزیکی رسیده بودیم و بنده خیلی متأثر بودم، نمی خواستم دوباره تکرار شود.

محمدعلی نجفی ادامه داد: در طول عمرم با هیچ خانمی برخورد فیزیکی نداشته ام و آن چندبار برخورد فیزیکی متأثرم کرده بود و یک نوع افسردگی در من حاکم شده بود به همین دلیل جواب نداده و به بهانه خواب، ساعت ۱۲ آن شب به اتاق خواب رفتم اما ایشان تا ساعت سه نگذاشتند که من بخوابم. حدود ساعت سه بود که ایشان فکر کنم خسته شدند و به اتاق دیگری رفتند. من خوابیدم و ساعت ۸ صبح بلند شدم و چون قبلاً از آژانس برای بردن مهیار به مدرسه، وقت گرفته بودیم ساعت ۹:۳۰ با ملاطفت او را بیدار کردم.

وی در رابطه با رابطه اش با فرزند مقتول گفت: سعی کردم وظایف و مسئولیت های پدری را در مورد وی انجام دهم. حتی مرحومه چندبار به خانواده اش گفت کارهایی که آقای نجفی برای مهیار می کند، صمیمی تر و بیشتر از پدر اصلی او است. آن روز هم مهیار را بیدار کردم که خواب نماند.

نجفی در رابطه با جزئیات روز حادثه گفت: بعد از رفتن مهیار، وی ادامه بحث شب قبل را مجدداً شروع کردند، من سعی کردم پاسخ ندهم. ساعت از ۹:۳۰ گذشته بود که ایشان به من گفت به حمام می‌روم و بعد از آن می‌خواهم به بیرون بروم که من گفتم کجا می‌روی که گفت خودم می‌دانم.

شهردار اسبق تهران بیان کرد: این موضوع کُدی بین ما بود چرا که در مورد بیرون رفتن، بارها با هم صحبت کرده بودیم. از آن لحظه به بعد عصبانی شدم. فشار شب گذشته هم روی من بود. بعد از آن به حمام رفتم و نمی‌دانم چه شد. همه ماجرا دو، سه دقیقه بیشتر طول نکشید. نفهمیدم چه شد. این بار من عصبانی و خشمگین بودم.

وی خطاب به قاضی محمدی کشکولی گفت: در مورد اسلحه جداگانه توضیح می‌دهم اما باید بگویم این اسلحه غیرمجاز نبود البته بنده در مورد تمدید کارت مجوز، قصور داشتم.

نجفی در رابطه با وقوع حادثه گفت: وقتی وی به حمام رفته بود، به فاصله یک دقیقه بعد رفتم. از در حمام تا وان، فاصله یک متر است. فکر می‌کردم در وان هستند. می‌خواستم با او صحبت کنم تا در مورد طلاق تصمیم قطعی بگیریم. حتی اگر او مخالفت می‌کرد، می‌خواستم با خانواده‌اش صحبت کنم تا همان روز کار را تمام کنم.

وی افزود: در کمد اتاق نیمه‌باز بود. اسلحه را برداشتم تا برای اینکه به او بگویم، ممکن است کارمان به خون و خونریزی کشیده شود. بعد یک بالشت هم از تخت برداشتم. اسلحه را زیر آن گذاشتم تا یکدفعه اسلحه را نبیند البته وی بارها به من گفته بود کار با اسلحه را به او یاد بدهم اما من اسلحه را جز در یک مورد آن هم بسیار کوتاه، به او نشان نداده بودم.

وی تصریح کرد: نمی‌دانم چطور بود که او وارد وان نشده بود، لباس‌هایشان را درآورده و به حمام رفته بودند. از در حمام که وارد شدم، با او سینه به سینه شدیم. بالشت را کنار زدیم که به او نشان دهم ممکن است کارمان به اینجا کشیده شود. نمی‌دانم چرا تا اسلحه را دیدند، هول شدند. دو دستش را روی شانۀ من گذاشت، نمی‌خواست مرا هل دهد اما تعادل از دست رفت و به عقب رفت و یک گلوله شلیک شد. احتمالاً آن گلوله هم به دیوار خورد. وقتی این اتفاق افتاد، ابتکار عمل از دستم خارج شد. با توجه به اینکه هنوز دستم روی ماشه بود، اسلحه را به سمت بالا بردم تا شلیک نشود، اما او دو دستی، دست راست مرا گرفته بود و حتی من بارها گفتم که دستم را ول کن. فکر می‌کردم سه چهار تیر شلیک شده است اما در آگاهی گفتند پنج تیر شلیک شده است.

وی با بیان اینکه من قصد شلیک نداشتم گفت: من بارها به او گفتم دستم را رها کن اما او این کار را نکرد تا اینکه آخرین تیرها شلیک شد. در مورد اینکه تیر مستقیم یا غیرمستقیم زده شده است، وکیل توضیح می‌دهد اما فکر می‌کنم تیر غیرمستقیم خورده است چون ایشان تا دست مرا رها کرد دیگر تیری شلیک نشد. بعد از آن دیدم به عقب رفته و به داخل وان افتاده است. بلافاصله اسلحه را جلوی آینه حمام گذاشتم چون شوکه شده بودم. دست به صورتش کشیدم و دیدم حرکتی ندارد. بعد از آن دیدم بالای سینه‌اش سوراخ شده است. چهار، پنج دقیقه بدون حرکت در حمام ایستاده بودم.

نجفی با بیان اینکه پس از حادثه، قصد خودکشی داشتم، تصریح کرد: بعد از آن چند بار قصد کردم خودم را با همان اسلحه بکشم. دوبار هم داخل وان رفتم و کنار او نشستم. بعدها که در مورد خونی شدن شلوار و پایم فکر می‌کردم، نفهمیدم چرا این‌گونه شد اما هر چه فکر کردم، بعداً به نظرم رسید به علت نشستنم در وان بود که شلوارم خونی شده است، چون خونی پاشیده نشده بود.

نجفی ادامه داد: بعد از چند دقیقه از وان بیرون آمدم، در اتاق رفتم و حتی در بالکن رفتم و فکر کردم خودم را از آنجا پرت کنم در نهایت به راننده‌ام زنگ زدم. دو کیف که اسناد خصوصی و مدارک من در آن بود، چون نمی‌دانستم چه اتفاقی ممکن است برایم بیفتد، به راننده گفتم بیاید تا دو کیف را به او بدهم تا او هم به دخترم برساند. بعد از آن بود که به نظرم رسید متنی بنویسم و بخشی از داستان و زندگی مشترکم را برای خانواده‌ام بنویسم.

شهردار اسبق تهران افزود: شش ماه بود که به دستور همسر مرحومم، ارتباطی با خانواده‌ام نداشتم به جز یک تا دو بار تلفنی صحبت کردن آن هم جلوی خود مرحومه، ارتباطی نداشتم.

وی در رابطه با دستنویس پس از حادثه توضیح داد: از روی خطم معلوم است که با عجله نوشته‌ام. مهدورالدم را در دفاعیه ابداً و اصلاً مطرح نکردم. در بازجویی‌ها هم این نکته قابل مشاهده است. بارها بازپرس در دهان من بگذارد که شما مهدورالدم را به کار بردید. احساس کردم خانواده‌ام پس از من ممکن است تحت برخی مشکلات قرار گیرند. به همین دلیل آن نامه را با آن محتوا نوشتم. نامه را در کیف گذاشتم و به راننده دادم.

نجفی در رابطه با سفر خود به استان قم هم گفت: بعد از آن به فکر رسید به زیارت حضرت معصومه (س) و بر سر مزار پدر بروم. چندین مرتبه هم که تحت فشار روحی و مشکلات بودم، به قم می‌رفتم. آن بار هم پیش خودم گفتم به قم می‌روم تا آنجا تصمیم بگیرم که خودم را به پلیس معرفی یا خودکشی کنم.

نجفی با بیان اینکه اسلحه را هم با خودم به قم بردم، گفت: با خودم بردم چرا که فکر می‌کردم که اگر خودم را تحویل پلیس بدهم، بهتر است اسلحه همراهم باشد تا نکند که گم و گور شود. همچنین با خودم بردم چون فکر کردم سر مزار پدرم، تصمیم به خودکشی بگیرم.

وی ادامه داد: در کمد کارت حمل سلاح را گذاشته بودم، آن را برداشتم و تازه آنجا بود که فهمیدم تاریخ اعتبار آن تا سال ۹۴ است.

شهردار اسبق تهران گفت: به ترمینال بیهقی رفتم و با اتوبوس به زیارت رفتم. آنجا تصمیم گرفتم که به تهران برگشته و خود را به آگاهی معرفی کنم. مستقیم هم به آگاهی رفتم. تلفن همراهم را داخل کیفم گذاشته بودم. در نهایت به خانواده‌ام زنگ زدم، دخترم تلفن را جواب داد و من به او گفتم نگران نباشید، حالم خوب است.

مهر

در حال تکمیل....